

مجله شبان

شماره ۱۷، سال سوم، اکتبر ۲۰۰۲
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

دعوت به صورت اشتیاقی درونی و عمیق برای خدمت به خدا در فرد ظاهر می‌شود و با گذشت زمان قوی‌تر و عمیق‌تر می‌گردد. آنان که چنین دعوتی را در خود احساس می‌کنند، در می‌یابند که با انجام هیچ کار دیگری به چنین شادی و آرامشی دست نمی‌یابند. هر چند شخص می‌تواند این اشتیاق را سرکوب کرده و فرونشاند (اول تسالونیکیان ۵: ۲۲-۱۹). اما باید در نظر داشت که چنین دعوتی باید از طرف کلیسای خدا نیز مورد تأیید قرار بگیرد. خدا شما را در خلاء به خدمت

فرا نمی‌خواند، بلکه در جمع ایمان‌دارانی که شما را می‌شناسند، و می‌بینند که خدا چگونه شما را به خدمت خوانده است. من خود وقتی احساس کردم که خدا مرا برای خدمت فرا می‌خواند، به‌تازد رهبران کلیسا رفتیم و از ایشان خواستیم که برای این امر دعا کنند و از خدا هدایت بخواهند؛ و وقتی تأیید کردند که خداوند این موضوع را برای ایشان نیز روشن ساخته، بسیار خوشحال شدم. پس بسیار مهم است که دعوت خدا را برای

«دلی نیز که معرفت ندارد نیکو نیست، و هر که به پایهای خود می‌شتابد، گناه می‌کند» (امثال ۱۹: ۲).

در آخرین بخش از مبحث درک اراده خدا، خاطر نشان می‌سازم که آنچه در این قسمت می‌آید، ادامه مقالاتی است که در سه شماره پیشین مجله شبان مورد بحث قرار دادیم که در آن این موضوع بسیار مهم را به شرح و تفصیل بررسی کردیم. خدا خواهان آن است که اراده خود را بر ما مکتشف سازد و آنگاه که ما با فروتنی از او مسألت بجوییم، چنین خواهد کرد. «مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد» (مزمور ۹: ۲۵). فروتنی ما از این ثابت می‌شود که تعلیم‌پذیر باشیم و در تمامی راههایی که خدا ما را بدان هدایت می‌کند از او اطاعت کنیم. بیایید برخی از راههایی را که خدا از طریق آن ما را هدایت می‌کند بررسی کنیم.

تشخیص

اراده خدا

بخش چهارم

زندگی خود بدانید.

۱- خدا برای خدمات خاص دعوت خاص نیز به عمل می‌آورد. زندگی ارمیای نبی نمونه‌ای است روشن: «قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم، تو را شناختم و قبل از بیرون آمدن از رحم، تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت‌ها قرار دادم» (ارمیا ۱: ۵). خدا در طول تاریخ افراد را برای خدمات خاصی برگزیده است. جهت درک اراده خدا برای زندگی‌تان، ابتدا باید بدانید که دعوت او از شما چیست. اغلب این

۲- خدا در برای هدایت کردن ما، مسیحیان با ایمان را به کار می‌گیرد. آنان که فکر می‌کنند مستقیماً با خدا در ارتباطند و به مشورت دیگران نیازی ندارند، دچار غرور و تکبرند. ببینید سلیمان نبی (بقیه در صفحه ۱۲)

(دنباله ص ۱)

در مورد چنین افرادی چه می‌گوید: «راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می‌باشد» (امثال ۱۶: ۲۵). «از تکبر جز نزاع چیزی پیدانمی‌شود، اما با آنانی که پندمی‌پذیرند حکمت است» (امثال ۱۳: ۱۰). «پند را بشنو و تأدیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حکیم بشوی» (امثال ۱۹: ۲۰). اگر تاکنون از کسی مشورت نطلبیده‌اید، افراد حکیم و روحانی را به مشورت بطلبید. به تنهایی دست به تصمیم‌گیریهای بزرگ نزنید که این کاری است بس ابلهانه. در مشورت طلبیدن از افراد روحانی حکمتی نهفته است که می‌تواند شما را از غم و اندوه برهاند. اگر خواهان آن نیستید که پیش از اجرای برنامه‌ها و نقشه‌هایتان با دیگران مشورت کنید، پس باید بدانید که یکی از راههایی را که خدای توانمند از طریق آن شما را هدایت کند، مسدود ساخته‌اید.

۳- خدا مطابق عطایای روحانی که به ما عطا فرموده، ما را به کار می‌گیرد.

بسیاری از خدمات مسیحی با شکست مواجه شده‌اند صرفاً بدین جهت که خادمی عطای خاص خود را نشناخته است. پولس رسول می‌فرماید: «اما در باره عطایای روحانی، ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید» (اول قرنتیان ۱: ۱۲). و در همان متن ادامه داده، چنین می‌گوید که عطایای مختلف برای انجام خدمات مختلف به کار می‌آید. وقتی عطایای روحانی خود را تشخیص می‌دهیم، آنگاه است که می‌توانیم دعوت خدا را نیز تشخیص دهیم. عطایای خدا به سادگی و زمانی در ما آشکار می‌شوند که:

الف) نیازهای کلیسای خدا را تشخیص می‌دهیم و در صدد رفع آنها برمی‌آییم.

ب) عطایای خود را به کار می‌گیریم و

«اما چون به تروآس به جهت بشارت مسیح آمدم و دروازه‌ای برای من در خداوند باز شد، در روح خود آرامی نداشتم، از آن رو که برادر خود تیطس را نیافتم». فرصت‌ها به دست می‌آیند و از دست می‌روند اما این فرصت‌ها را به مثابه نشانه‌هایی قطعی از تأیید اراده خدا برای خود در نظر نگیرید.

و بالاخره اینکه می‌خواهم شما را به چالش فرابخوانم تا اراده خدا را در جهت خدمتی که برای شما در نظر دارد جستجو کنید. می‌خواهم فرصت را مغتنم بشمارم و به شما پیشنهاد کنم که یک روز را با خدا خلوت کنید و به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- بهترین کاری که می‌توانم انجام دهم چیست؟

۲- چه خدمتی انجام داده‌ام که خدا آن را دائماً برکت داده است؟

۳- مهم‌ترین چیز برای من چیست؟

۴- می‌خواهم مردم مرا به خاطر چه چیزی به یاد بیاورند؟

در ضمن اینکه به سؤالات فوق پاسخ می‌دهید، از خدا بخواهید که خدمت خاصی را که برای سالهای آتی زندگی‌تان در نظر دارد بر شما آشکار فرماید. آنچه به شما کمک می‌کند که بدانید اراده خدا را دریافته‌اید، این است که احساسی شبیه به احساس پولس رسول داشته باشید که فرمود: «در اجتهاد کاهلی نورزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت نمایید» (رومیان ۱۲: ۱۱). وقتی اراده خدا را برای زندگی خود دریافتید، در خداوند شادی و وجدی عظیم خواهید کرد. «خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابد الابد است. کارهای دست خویش را ترک منما» (زمور ۱۳۸: ۸).

تت استیو آرت

توانایی‌های خود را شکوفای سازیم.

ج) عطایای روحانی خود را با قدرت روح القدس به کار می‌گیریم و مایه برکت دیگران می‌شویم. فردی فکر می‌کرد و اصرار داشت که عطای تعلیم دارد اما هیچ‌یک از افراد از تعالیم او راضی و خشنود نبودند و واقعیت امر را به وی نیز گفتند. او با ناراحتی چنین پاسخ داد: «مشکل این جا است که شما عطای شنیدن و تعلیم یافتن ندارید!» پس به جای اصرار ورزیدن بر این‌که عطایی خاص داریم، بهتر آن است که به نظرات و واکنشهایی که افراد در مقابل خدمات ما نشان می‌دهند توجه کنیم و خدمات خود را در راستای توانایی‌ها و عطایایمان درپیش‌گیریم.

۴- نمی‌توان اراده خدا را از طریق

«باز و بسته شدن درها» تشخیص داد.

برخی تلاش می‌کنند که برای درک اراده خدا فرمولی بوجود بیاورند. به عنوان مثال با خود چنین می‌اندیشند «اگر فلان در بسته شد، پس انجام فلان کار اراده خدا برای من نبوده است؛ و اگر دری باز شد، انجام فلان کار به‌وضوح اراده خدا است برای من!». این نوع ساده‌انگاری دارای مشکلی است. این روشی کتاب مقدسی نیست. پولس رسول اغلب هدایت می‌شد به مناطقی برود که درهای آن به روی او گشوده نبود. «در باره ما نیز دعا کنید که خدا در کلام را به روی ما بگشاید» (کولسیان ۳: ۴). پدر من بیست سال دعا می‌کرد که خدا درهای کشور افغانستان را بگشاید و به او فرصت دهد تا در آن کشور به نام مسیح شهادت دهد، و خدا نیز عاقبت به دعای او پاسخ داد. در بسته به مثابه عدم تأیید اراده خدا نیست. زیرا او می‌تواند درهای بسته را بگشاید (اعمال ۵: ۱۹). و به همین ترتیب، در باز نیز به مثابه تأیید اراده خدا نیست. پولس رسول در دوم قرنتیان ۲: ۱۲-۱۳ می‌فرماید:

سرسخن

مطالب این شماره:

- تشخیص اراده خدا (بخش ۴)
(تت استیوارت)..... ص ۱
- خدمت به افراد افسرده (بخش هفتم)
(تت استیوارت)..... ص ۳
- پارکینسون شبانی (بخش ۵)
(نینوس مقدس نیا)..... ص ۵
- کنکور تضمیمی! دعای تضمینی؟
(آرمان رشدی)..... ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت)..... ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

خادمان عزیز خداوند،

درودهای گرم ما را در نام گرانهای عیسی مسیح بپذیرید! تمامی ما دست‌اندرکاران مجله **شبان** خدا را برای خدمات ارزنده یکایک شما عزیزان سپاس می‌گوییم. از مشارکت و همکاری شما در خدمت به خداوند صمیمانه شادمانیم و خدا را شکر می‌گوییم و دعا می‌کنیم که **شبان** را در مسیر تقویت ایمان و خدمات شما به‌کار گیرد. وقتی اولین شماره این مجله به چاپ رسید، ما مزمور ۷۲:۷۸ را سرلوحه کار خود قرار دادیم که می‌فرماید: «پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به مهارت دستهای خویش هدایت کرد.» در طی سه سال اخیر همواره کوشیده‌ایم که شما را ترغیب نماییم که بیشتر به شباهت عیسی مسیح در آید و بیشتر بکوشید تا توانایی‌های خود را در امر خدمت به خداوند ارتقاء بخشید. رهبری در واقع به‌مثابه تأثیرگذاری الهی است؛ ما آنچه را می‌دانیم تعلیم می‌دهیم، حال آنکه آنچه را هستیم منعکس می‌کنیم. آنان که از شما هدایت روحانی می‌طلبند، نگرشها و محبت شما را الگوی خود قرار می‌دهند. به همین دلیل است که پولس رسول در افسس می‌فرماید: «پس خویشتن و تمامی آن‌گله را نگاه دارید که روح‌القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که خدا به خون خود خریده است» (اعمال ۲۰:۲۸).

شاید دقت کرده باشید که ما در ماه آگست سال جاری، **شبان** را منتشر نساختم. این بدان سبب بود که من و برادر آرمان در صدد بودیم که اثربخشی و کارایی این مجله را مورد ارزیابی قرار دهیم و تغییراتی در آن ایجاد کنیم. اثرات این بازبینی و تغییرات به‌تدریج در شماره‌های آتی بازتاب خواهد یافت. درضمن، از نظریات ارزنده خوانندگان عزیز این مجله بسیار سپاس‌گزاریم.

من در این شماره مبحث «درک اراده الهی» را به پایان می‌رسانم و در شماره بعد مباحث جدیدی را در ارتباط با جستجوی ارزش و هدف‌مندی زندگی انسان آغاز می‌کنم. مبحث مشاوره شبانی را نیز ادامه خواهیم داد اما به‌طور خاص به بحث و بررسی در مورد مشکلات خاص خواهیم پرداخت. شما در این شماره می‌توانید در مورد شیوه‌های کمک به افراد افسرده مطالبی مفید بیاموزید.

برادر عزیزمان، کشیش نینوس مقدس‌نیا، خادم کلیسای پرزبیتی ایران نیز مباحث جالب خود را در خصوص «بیماریهای شبانی» ادامه می‌دهند. در این شماره، به مسأله خادمین سالخورده خواهیم پرداخت. برادر آرمان نیز از این شماره، مجموعه جدیدی را آغاز می‌کنند که ما آن را «مسائل بحث‌انگیز» نامیده‌ایم. در این مجموعه به بررسی موضوعاتی خواهیم پرداخت که مناقشه‌برانگیز می‌باشند.

لطفاً به دعای خود برای رشد و توسعه مجله **شبان** دعا ادامه بدهید.

تت استیوارت

سردبیر

وظایف شبان در کتاب مقدس



نوشته کشیش تیت استیو آرت

تعادل شیمیایی هورمون‌ها عارض شود. بدین ترتیب در امر مشاوره و خدمت به افراد افسرد باید در نظر داشت که منشاء این بیماری همواره مسائل روحانی و یا احساسی نیست، و بعضاً ضروری است که فرد افسرده را به پزشکی ذیصلاح معرفی کرد.

تشخیص شدت افسردگی

شدت افسردگی در افراد متفاوت است. اغلب مردم برخی روزها احساس خستگی و افسردگی می‌کنند. این یک افسردگی عادی و گذرا است. کسانی که دچار افسردگی طولانی‌تر و جدی‌تری هستند، زندگی برایشان دشوار می‌شود، اما نه آنقدر که از زندگی روزمره خود باز بمانند.

(بقیه در صفحه بعد)

خدمت به افراد افسرده

«ای جانم چرا منحنی شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای؟» (مزمور ۵:۴۲).

افسردگی: یک زنگ خطر

افسردگی احساس نیرومندی است که می‌تواند در حالات روحی شدید و مختلفی ظاهر شود. افراد مبتلا به افسردگی اغلب آن را حالتی از ناامیدی و اندوه شدید توصیف می‌کنند. برخی می‌گویند که افسردگی همچون غرق شدن در ناکامیها و نامرادیها است که در فرد نسبت به هر چیز احساس بی‌تفاوتی ایجاد می‌کند.

در مشاوره با شخص افسرده بسیار حائز اهمیت است که افسردگی او را ناچیز نشمارید بلکه این حالت را به‌عنوان زنگ خطری احساسی در نظر داشته باشید. همچنان که دردی جسمانی حکایت از مشکلی جسمی دارد،

افسردگی نیز حاکی از مشکلی روحی است که باید بکوشیم ریشه‌هایش را تشخیص دهیم.

ریشه‌های کلی افسردگی

افسردگی می‌تواند زنگ خطری باشد برای این که شخص افسرده زندگی گناه‌آلودی دارد. ما به‌وضوح این حقیقت را در زندگی داود نبی می‌بینیم (مزمور ۳۲:۳).

همچنین می‌تواند مکانیزمی دفاعی باشد که فرد افسرده، آن را در مبارزه با وقایع دردناک و ناخوشایند زندگی به‌کار می‌گیرد. اغلب، آنان که از افسردگی رنج می‌برند چیزی باارزش و گران‌بها را از داده‌اند، و افسردگی برای آنان به‌مثابه نوعی سوگواری است.

نیز باید در نظر داشته باشیم که این بیماری می‌تواند در اثر برهم خوردن

(دنباله صفحه قبل)

زندگی.

علل بروز افسردگی طبق کتاب مقدس

اگر افسردگی را به مثابه نشانه‌ای از یک بیماری ریشه‌دار در نظر بگیریم، آنگاه اهمیت این موضوع روشن می‌شود که ریشه‌یابی این بیماری تا چه حد برای شبان مشاور، در امر درمان حائز اهمیت است. بر اساس کتاب مقدس می‌توانیم به سه علت عمده در بروز افسردگی اشاره کنیم:

اجتناب از مسؤولیت‌هایی که خدا به عهده انسان می‌گذارد

به‌عنوان مثال جالب است در نظر داشته باشیم که شبانان و زنان خانه‌دار بیشتر در معرض افسردگی قرار دارند، چرا که به دلیل نداشتن برنامه‌ریزی صحیح به ناچار از زیر بار مسؤولیت‌هایی که خدا بر عهده ایشان گذاشته، شانه خالی می‌کنند. یکی از راههای مؤثر در امر درمان افراد افسرده این است که از آنها بپرسیم در مقابل خدا چه مسؤولیت‌هایی دارند. یک مرد باید با کار و فعالیت، خانواده خود را تأمین کند؛ خانمی خانه‌دار باید خانه را تمیز و منظم نگاه دارد؛ و دانش‌آموزان موظفند به مدرسه بروند و تحصیل کنند. باید فرد افسرده را تشویق نمود که دوباره مسؤولیت‌هایی را که خدا به عهده او گذارده انجام دهد. در کلیسای ما مردی بود که پس از

با شدیدتر شدن افسردگی، شخص در یأس و ناامیدی فرو می‌رود و از انجام امور روزمره باز می‌ماند.

در مراحل پیشرفته‌تر، شخص افسرده از ادامه زندگی دلزده می‌شود و آرزوی مرگ می‌کند، اما هیچ اقدامی برای پایان دادن به زندگی خود نمی‌کند.

اگر شخص اقدام به مداوای خود نکند، با شدیدتر شدن افسردگی‌اش، میل به خودکشی در او ظاهر می‌شود و ممکن است به این عمل نیز دست بزند.

پس در امر کمک و مداوای شخص افسرده، به‌جا است که از میزان افسردگی وی اطلاع حاصل کنیم تا بتوانیم بهترین خدمت ممکن را به وی ارائه دهیم.

علائم مشترک افسردگی

۱- ناامیدی و یأس در مورد آینده. در این حالت شخص همه چیز را با عینک یأس و ناامیدی می‌بیند.

۲- تغییرات مزاجی. در این مرحله، فرد افسرده اشتهای خود را از دست می‌دهد و خواب و تمایلات جنسی او نیز دچار بی‌نظمی می‌شود.

۳- میل به گوشه‌گیری و فرار از مسؤولیت‌ها.

۴- حساسیت بیش از حد و زودرنجی.

۵- از دست دادن کنترل احساسات و واکنشهای نامناسب در مقابله با امور

بازنشستگی به شدت افسرده شده بود. تمام روز در خانه می‌نشست و کار نمی‌کرد. من او را با سالمندان کلیسا آشنا کردم و او نیز به انجام خدمات کوچک برای آنان مشغول شد و هدایایی برای آنها تهیه کرد؛ و بدین ترتیب پس از مدتی افسردگی وی برطرف شد. تا پیش از آن برای خود تأسف می‌خورد و از مسؤولیت‌های خود فرار می‌کرد، اما همین که خدمت به دیگران را شروع کرد و به احتیاجات آنان رسیدگی نمود، از افسردگی رها شد.

نشان دادن واکنشهای غیرمسیحی در برخورد با مشکلات زندگی

هر عملی عکس‌العملی دارد و هر واقعه‌ای که در زندگی ما رخ می‌دهد نیز واکنشی بر می‌انگیزد. وقتی واکنشهای ما در برابر مشکلات غیرمسیحی و گناه‌آلود گردند، ما را در ورطه سقوط قرار می‌دهند. این چیزی است که پولس رسول آن را «کاشتن برای طبیعت گناه‌آلود» می‌خواند. «هر که برای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند» (غلاطیان ۶: ۸).

به‌عنوان مثال می‌توان از دروغ گفتن نام برد که شخص پس از گفتن آن همواره باید دروغی دیگر بگوید تا دروغ پیشین را بپوشاند. و یا زمانی که از رفتار دیگران آسیب می‌بینیم، به‌جای آنکه با نگرش روحانی و الهی با آن برخورد کنیم، طوری (بقیه در ص ۹)

(ادامه ص ۴)

در مقابل اشتباهات و اکنش نشان می‌دهیم که واکنشهای ناصحیح دیگری را بوجود می‌آورند. و همان‌گونه که واکنشهای گناه‌آلودمان انباشته می‌شوند، ما را از لحاظ احساسی وارد غرقاب افسردگی می‌کنند. اما بار دیگر به گفته پولس رسول باز می‌گردیم تا پاسخ را بیابیم: «اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم» (غلاطیان ۵:۲۵). و در ادامه می‌فرماید: «هر که برای روح کارد، از روح حیات جاودانی خواهد دروید» (غلاطیان ۶:۸). پس ما باید از خداوند بخواهیم که واکنشهای ناصحیح ما را بر ما آشکار کند، و آن را به‌عنوان گناه اعتراف کنیم و تحت قدرت روح‌القدس، چنان واکنش نشان دهیم که خدا از ما می‌طلبد. ما می‌توانیم با مشورت صحیح به شخص افسرده امید بدهیم و به او کمک کنیم که در مقابل شکستها و ناکامی‌های زندگی واکنشی صحیح داشته باشد. و نیز می‌توانیم به او کمک کنیم که از خداوند اطاعت کند؛ این خود آرامش و شادی الهی را در پی خواهد داشت.

عدم کنترل احساسات گناه‌آلود

اغلب در پس هر احساس ناخوشایندی، دروغی ریشه‌دار نهفته است. قوی‌ترین تأثیری که شیطان بر زندگی ما می‌گذارد، از طریق کاشتن بذر دروغ در ما است. بسیاری از این بذرها در دوران طفولیت و آن هنگام که قادر به

تشخیص حقیقت نبودیم در ما کاشته شده است. بچه‌ای که مدام «بد» خوانده شده است، به‌طور طبیعی به این نتیجه می‌رسد که موجودی است بی‌ارزش؛ و یا در صدد این بر می‌آید که آن‌قدر بکوشد تا ثابت کند که موجودی است باارزش. خداوند ما را فرا می‌خواند که احساسات منفی را کنترل کنیم. به‌عنوان مثال، اگرچه ارمیا، نبی‌گریان، به‌خاطر ویرانی اورشلیم محزون و مأیوس بود، اما همچنان قادر بود احساسات خود را کنترل کند: «جان من در من منحنی شده است. اما من در دل خود آن را خواهم گذرانید و از این سبب امیدوار خواهم بود. از رأفت‌های خداوند است که تلف نشدیم، زیرا که رحمت‌های او بی‌زوال است» (مراثی ارمیا ۳:۲۰-۲۲). ارمیا با قلب خود سخن می‌گفت. افسردگی وضعیت فکری خاصی را ایجاد می‌کند که شخص در آن به خود نیز دروغ می‌گوید.

برای مثال، وقتی به خشم اجازه می‌دهیم که ما را احاطه کند، از همین امر بیشتر خشمگین می‌شویم؛ سپس از این حالت احساس تنفر می‌کنیم؛ خود این امر میزان افسردگی را افزایش می‌دهد.

وظیفه ما شبانان این است که به فرد افسرده کمک کنیم تا بیاموزد که با قلب خود به‌راستی سخن بگوید. مزمو ۱۰۳ یکی از بهترین نمونه‌ها است که در آن داود نبی برای خود وعظ می‌کند و می‌گوید: «ای جان من خداوند را مبارک بخوان». در کلام خدا موارد بی‌شماری

هست که ما را ترغیب می‌کند با خود صادقانه سخن بگوییم (فیلیپیان ۴:۸ و رومیان ۱۲:۲).

یکی از روشهای مفید این است که شخصی که برای مشاوره نزد شبان می‌آید، از آنچه با خود می‌گوید یادداشتی تهیه کند؛ و فرد مشاور نیز می‌تواند به او کمک کند که تفکرات منفی خود را با نگرشها و تفکرات الهی جایگزین سازد. در واقع، این حقیقت است که وی را آزاد می‌سازد؛ و این آزادی زمانی به تحقق خواهد پیوست که به زندگی چشم‌اندازی مثبت داشته باشیم.

چرا خدا به افسردگی اجازه بروز می‌دهد

چرا خدا اجازه می‌دهد که ما دچار افسردگی شویم؟ زیرا او می‌خواهد که ما را به خود نزدیکتر سازد. می‌خواهد به ما بیاموزد که چگونه در بحران‌ها و رنجها او را بجوییم و نیز می‌خواهد طریق بهتر مسیحی زیستن را به ما بیاموزد. ما گاه از درک آنچه خدا می‌خواهد بیاموزیم غافلیم؛ خدا می‌خواهد بیاموزیم که او را بیشتر از هر چیز دیگری دوست داشته باشیم. «طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت‌ها است تا ابد» (مزمو ۱۱:۱۶). تنها گرمای حضور او است که سرمای یأس و ناامیدی را از میان می‌برد. این است پیام ما برای آنان که در اسیر تاریکی می‌باشند ■

پارکینسون شبانی !!!

نوشته کشیش نینوس مقدس‌نیا

خوب نمی‌بیند. در جلسات هیأت رهبران، بحثها را خوب نمی‌شنویم و مرتباً از دیگران می‌خواهیم که حرف خود را تکرار کنند. در زانوهایمان احساس ضعف و سستی می‌کنیم و یک ساعت ایستادن سر پا در طول جلسه عبادتی، برایمان عذاب‌آور می‌شود. اینها همه علائمی هستند که به ما می‌گویند لرزه پیری دارد وجودمان را فرا می‌گیرد و کم‌کم باید کنار کشید.

■ لرزه پیری بر شخصیت و قوه تصمیم‌گیری ما هم تأثیر می‌گذارد. به تدریج، شخصیتی مُدْبِدْ پیدا می‌کنیم و حرفمان عوض می‌شود. به قدری ملاحظه این و آن را می‌کنیم که همه متوجه می‌شوند که ترس مرموزی بر ما حاکم شده است. گاهی ممکن است بیماری خیالی خود را بهانه کنیم تا از انجام مسئولیت سنگین و فوق طاق خود طفره رویم. در واقع کنترل اوضاع کلیسا از دستمان خارج است، ☞ صفحه بعد

پیری هم با تمام ضعفها و ناتوانی‌های خاص این دوره، باید رشته اداره امور کلیسا را تمام و کمال در دست خود داشته باشند. البته هیچ کس نمی‌تواند منکر سالها زحمت و تجربه شبانان مسن شود، اما هر شبانی هم باید خود درک کند که زمان کنار رفتن و سپردن مسئولیت به نسل بعدی کی فرا می‌رسد. در شرایطی که همه در کلیسا شاهد کهولت و ناتوانی‌های ما هستند، اصرار بی‌جا بر ادامه کار، نه فقط عاقلانه نیست بلکه ممکن است به کلیسا و به کار خدا هم لطمه بزنیم.

نشانه‌های بیماری

■ ضعف‌های جسمانی اولین نشانه‌های لرزه پیری هستند. مشخصه‌های پیری را در جامعه ۱۲-۷ به وضوح می‌خوانیم. کم‌کم متوجه می‌شویم که آیات کلام خدا را خوب به یاد نمی‌آوریم و حتی در موقع قرائت آنها از روی متن کتاب مقدس هم مشکل داریم و چشممان

تشخیص بیماری

بیماری پارکینسون (لرزه پیری) که در سالهای اخیر بسیاری را مبتلا ساخته، گاهی از نوع روحانی‌اش گریبانگیر کشیشان و شبانان کلیسا می‌شود. واعظان متبحری که سالها با پیغامهای گرم و محکمشان، شنوندگان خود را بر نیمکتهای کلیسا می‌خکوب می‌کردند، با گذشت زمان، همه را از وعظهای گند و تکراری خود خسته می‌کنند. شبانان قوی و مجرب‌بی که سالها کلیسا را با اقتدار اداره کرده‌اند، بقدری ضعیف و ندانم‌کار می‌شوند که همه چیز در کلیسا به هم می‌خورد. به همین دلیل لازم است که درباره این بیماری «لرزه پیری» در شبانان، بیشتر بدانیم.

زمان وقوع بیماری

در اغلب کلیساهای سن خاصی برای بازنشستگی نیست، و اگر هم باشد، چندان رعایت نمی‌شود. همین باعث می‌شود که شبانان کلیسا فکر کنند همیشه و در سن

(دنبالهٔ صفحه قبل)

اما هنوز با خودفریبی، خود را شبان می‌نامیم و به همین خوش هستیم.

■ پیش نرفتن با زمانه از دیگر نشانه‌های این بیماری است. می‌خواهیم همه چیز در کلیسا، همان طوری باشد که پنجاه سال پیش بود. با هر نوآوری مفید و بی‌ضرری مخالفت می‌کنیم و تحمل هیچ چیز تازه‌ای را نداریم. اما زمان را نمی‌توان متوقف کرد؛ کلیسا را هم همین طور. باید با به پای زمانه پیش رفت و نگذاشت که دیگران کلیسا را «فسیل» بنامند.

■ مهم‌ترین نشانهٔ بحرانی شدن این بیماری، حسادت به نسل بعدی است. شاول و داود را به یاد آورید. شاول نمی‌خواست بپذیرد که آینده از آن داود است و بالاخره نسل جوان باید کار را به پیش ببرد. در این راه، او حتی حاضر بود داود را به قتل برساند، اما به جای خود نشاندا! بعضی از شبانان مسن کنونی هم شاید همین احساس را تجربه کرده باشند. باید واقعیت را پذیرفت و کار را به دیگران سپرد. در واقع، همه چیز در دست خداست و باید با توکل به او، کنار رفت.

عواقب خطرناک بیماری

پیران در کتاب مقدس از احترام والایی برخوردارند. مردان خدا تا به مرگ، اقتدار و احترام روحانی خود را حفظ می‌کردند.

ابراهیم، «در کمال شیخوخت، پیر و سیر شده، بمرد و به قوم خود ملحق شد» (پیدایش ۸:۲۵). موسی «نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود» (تثنیه ۷:۳۴). وقتی سموئیل وفات نمود، «جمع اسرائیل به جهت او نوحه‌گری» نمودند (اول سموئیل ۳:۲۸).

در عهدجدید هم در واقع به تعبیری، ادارهٔ کلیسا به دست پیران (مشایخ، ریش‌سفیدان) سپرده شده است. اصل کلمه‌ای که برای «کشیش» به کار رفته، چه در یونانی که *presbyteros* است و چه در اصل زبان آرامی که مسیح به آن سخن می‌گفت و قشیشَه یا مُعرب آن، القسیس می‌شود، هر دو به معنی «پیر» است. اما پیری در کار خدا تا وقتی محترم است که با خصوصیات منفی و ضعف‌های خاص این دوره، به عامل بازدارندهٔ رشد کلیسا تبدیل نشود.

به این نکته هم باید توجه داشت که پیری بدون تجربه و قوت روحانی، مخرب خواهد بود. گاهی در بعضی کلیساها مشاهده می‌شود که شخصی ۳۵ ساله با حدود ۲۰ سال عمر روحانی و رشد در مسیح، انتخاب نمی‌شود؛ ولی فردی هفتاد ساله اما در واقع بدون تولد تازه و زندگی روحانی، رشتهٔ امور را به دست می‌گیرد! مسلماً کتاب مقدس، چنین شخصی را شیخ کلیسا نمی‌داند.

بازنشسته نشدن و کنار نرفتن، در بعضی کلیساها به معضلی لاینحل تبدیل شده و حتی گاهی به درگیری و شقاق انجامیده

است. بیاید قبل از اینکه کنار گذاشته شویم و یا پس از سالها خدمت صادقانه حس کنیم که مورد بی‌لطفی کلیسا قرار گرفته‌ایم، چاره‌ای برای این بیماری بیندیشیم.

راه درمان

همواره، اولین قدم جهت مواجهه با بیماری و درمان آن، پذیرفتن واقعیت بیمار بودن است. همهٔ ما شبانان باید گذر عمر و نقصان تدریجی توانایی‌هایمان را قبول کنیم.

● در حدّ سن و سال خود، از خود انتظار داشته باشیم. سن بالا، توان برخورد با بحرانهای شدید کلیسایی را از ما می‌گیرد. نیروی کافی برای جلسات مختلف نخواهیم داشت. در چنین سنی باید نقش پدری مهربان و ناصح را به عهده گیریم، نه شبانی سختگیر و حاکم بر تمام امور. دیگر توان کافی برای ادارهٔ جلسات متعدد هفتگی کلیسا و همکاری با رهبران در سرپرستی امور مالی، تعمیراتی، و اداری را نداریم.

● به کارهای خاص دوران بازنشستگی بپردازیم. تحویل کار به دیگران به این معنا نیست که خود را بی‌ثمر بپنداریم. در هر سنی، حتی در پیری می‌توانیم خدا را خدمت کنیم و جلال دهیم. شاید این بهترین فرصت باشد تا به برنامه‌ها و آرزوهایی که سالها در سر پروراند بودیم، جامهٔ عمل بپوشانیم. خاطرات ما اگر به صورت کتاب مکتوب شود، می‌تواند عامل تشویق سایر

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو (تیطس ۱:۲)

کنکور تضمینی!

دعای تضمینی!؟!

مقاله نخست: آیا خدا وعده داده که هر چه در دعا بخواهیم بدهد؟

نوشته آرمان رشدی

وعده‌های که خدا نداده!

گاه شنیده می‌شود که واعظین در موعظه‌های خود، بخصوص زمانی که هیجان به اوج خود می‌رسد، به شنوندگان خود با اطمینان می‌گویند: «اگر با ایمان دعا کنید، خدا هر چه بخواهید به شما خواهد داد! فقط کافی است که با ایمان دعا کنید! این وعده خداست!» شنوندگان نیز وقتی گرفتار مشکلات می‌شوند، با ایمانی خالصانه دعا می‌کنند؛ گاه خواسته‌شان بر آورده می‌شود، گاه نیز نمی‌شود. وقتی بر آورده نمی‌شود، به این نتیجه می‌رسند که یا ایمانشان کافی نبوده یا اینکه گناهی در زندگی‌شان بوده که خدا خواسته‌شان را بر آورده نساخته است. این نتیجه‌گیری در مواقعی ممکن است درست باشد؛ اما بحث ما در این مقاله، در بارهٔ موانع دعا نیست، بلکه در بارهٔ این است که: «آیا اساساً خدا "وعده" داده است که هر چه در دعا (با ایمان) بخواهیم، به ما "بدهد"؟»

دو دسته آیات در کتاب مقدس

دسته اول

واعظینی که تعلیم می‌دهند که خدا «وعده» داده که هر چه در دعا از او بخواهند، به ایشان «بدهد»، گفتهٔ خود را بر دسته‌ای از آیات بنا می‌کنند که ذیلاً به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم.

● فرمایشهای خداوند ما عیسی مسیح در فصل‌های ۱۴ تا ۱۶ انجیل یوحنا که یک نمونه از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم. عیسی فرمود: «آمین آمین به شما می‌گویم که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد. تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید؛ بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۶: ۲۳-۲۴).

● مسیح در موعظه بالای کوه فرمود: «سؤال کنید که به شما داده خواهد شد؛ بطلبید که خواهید یافت؛ بگویید که برای شما باز کرده خواهد شد» (متی ۷:۷).

- در ماجرای خشک شدن درخت انجیر، عیسی به شاگردانش فرمود: «آنچه در عبادت سؤال می‌کنید، یقین بدانید که آن را یافته‌اید و به شما عطا خواهد شد» (مرقس ۱۱: ۲۴).
- یعقوب رسول نیز می‌فرماید: «دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد» (یعقوب ۵: ۱۶).

دسته دوم

- اما در کتاب مقدس، دستهٔ دیگری از آیات هست که باید به آنها نیز توجه داشت. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:
- عیسی مسیح در یوحنا ۷: ۱۵ به شاگردانش فرمود: «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد.» مسیح در اینجا برای پاسخ به دعاها شرطی قائل می‌شود.
 - خداوند ما عیسی در باغ جتسیمانی دعا فرمود تا چنانچه «ارادهٔ پدر باشد»، «آن جام» از او بگذرد. اما پدر به او (بقیه در صفحهٔ بعد)

(دنبالهٔ صفحهٔ قبل)

پاسخ منفی داد. ارادهٔ خدای پدر چیز دیگری بود. پاسخ دعای عیسی منفی بود.

● پولس رسول «۳ بار» دعا کرد تا خداوند عیسی آن «خار در جسم» او را بر دارد. اما پاسخ خداوند به او منفی بود. ارادهٔ خداوند چیز دیگری بود، حتی اگر برای پولس دردناک می‌نمود.

● سموئیل نبی نیز برای برکت و بازگشت شاؤل پادشاه دعا کرد، اما خدا فرمود تا دیگر این دعا را نکند چون شاؤل را رد کرده بود (اول سموئیل ۱:۱۶).

تجربهٔ مسیحیان مقدس نیز چه در طول تاریخ کلیسا و چه امروزه، نشان می‌دهد که خدا همیشه خواسته ما را آنطور که ما می‌خواهیم و آن زمان که ما می‌خواهیم به ما نمی‌دهد.

تناقض ؟

در نگاه اول ممکن است این آیات متناقض به نظر برسند. اما چنین نیست. مسأله در اینجاست که مقصود کلام خدا را در دستهٔ نخست آیات باید درست درک کرد.

برای درک درست آیات کتاب مقدس در خصوص یک آموزه، لازم است آنها را با سایر آیات و بخشهای کتاب مقدس محک زد و در آخر نتیجه‌ای فراگیر گرفت. نمی‌توان به یک دسته از آیات چسبید و آیات دیگر مربوط به همان موضوع را نادیده گرفت.

وقتی آیات دستهٔ اول را در پرتو آیات دسته دوم و سایر اشارات موجود در کتاب مقدس بررسی می‌کنیم، پی می‌بریم که خدا وعده نداده که ما «هر چه دلمان» می‌خواهد

به ما بدهد. خدا چراغ جادوی علاءالدین نیست که هر چه «ما» هوس کنیم، به ما بدهد.

خدا قطعاً به هر دعایی جواب می‌دهد، اما طبق صلاح دید خودش، به آن شکلی که خودش مناسب می‌داند، و در آن زمانی که خودش مناسب می‌داند.

نه به خواهش من، بلکه به ارادهٔ تو

خدا آن چیزهایی را به ما می‌دهد که «مطابق ارادهٔ او» باشد. و ارادهٔ خدا را آنانی می‌دانند که به او نزدیکند و صدای ضربان قلب او را می‌شنوند. این گونه افراد آنقدر فروتن می‌شوند که در واقع چیزی جز خواست خدا نمی‌خواهند. پس طبیعی است که هر چه بخواهند، خواهد شد چون هر چه می‌خواهند همان است که خدا می‌خواهد! آیا من و شما از خداوند متبارکمان عیسی مسیح روحانی‌تریم که در دعا گفت: «نه به خواهش من، بلکه به ارادهٔ تو!» (متی ۲۶:۳۹).

خدا قطعاً به هر دعایی پاسخ می‌دهد

از نمونه‌هایی که در دسته دوم از آیات به روشنی استنباط می‌شود این است که «هر دعایی حتماً پاسخ دارد». توجه بفرمایید که گفتیم «پاسخ دارد»، و نگفتیم که «پاسخ مثبت دارد».

خدا قطعاً به هر دعایی که با ایمان به حضور او آورده شود، پاسخ می‌دهد. اما پاسخ او می‌تواند سه حالت داشته باشد:

● اگر خواست ما با ارادهٔ او یکی باشد، پاسخ او مثبت خواهد بود و خواسته ما را برآورده خواهد ساخت.

● اگر خواست ما با ارادهٔ او یکی نباشد، پاسخ او منفی خواهد بود، زیرا ممکن است درخواست ما به ضرر ما باشد، یا برخلاف ارادهٔ او. در اینصورت او قطعاً چیز بهتری را برای ما در نظر دارد.

● گاه نیز پاسخ خدا این است: «الان نه! بعداً!» در این مورد، خواست ما مطابق ارادهٔ او هست، اما شاید زمان مناسبش فرا نرسیده است. در این قبیل موارد، باید مشکلات را تحمل کرد و صبر را آموخت. برای چنین مواردی است که خداوند مبارک ما مسیح فرمود که باید در دعا اصرار بورزیم (لوقا ۱۸:۱-۸).

ارادهٔ تو... بر زمین نیز کرده شود

پس اگر می‌خواهیم پاسخ دعاهايمان را دریافت داریم، باید که «طریق‌های خدا» را بیاموزیم؛ باید که ارادهٔ خدا را درک کنیم و در مسیر آن گام برداریم؛ باید که آماده باشیم ارادهٔ خدا را بپذیریم.

از این رو است که هر گاه دعا می‌کنیم باید به یاد آوریم که خداوند ما مسیح به ما آموخت که «اینچنین» دعا کنیم: «ارادهٔ تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود». افسوس که این تعلیم مقدس را چقدر از یاد می‌بریم! لذا باید به اعضای کلیسای خود (اما نخست به خودمان) باید بیاموزیم که

● در مقابل خدا فروتن باشیم. چه زیباست که در مقابل خدا «گردن‌فرازی» نکنیم.

● مطیع خواست او باشیم، حتی اگر برایمان در این زندگی دردناک باشد. در ملکوت خدا، مکتبی مؤثرتر از مکتب مشکلات نیست. خدا وعدهٔ زندگی راحت به ما نداده است.

● به خدا «امر و نهی نکنیم». گاه می‌شنویم که می‌گویند: «ما در مسیح "فرزندان" خدا هستیم، (بقیه در صفحهٔ ۱۰)

(دنبالهٔ صفحهٔ ۸)

داده باشد.

خلاصه مطلب

خادمین عزیز، به خودمان و به جانمایی که خدا به دست ما سپرده، تعلیم دهیم تا فروتن باشند و در مقابل ارادهٔ متعال خدا سر تسلیم فرود آورند.

به خود و به اعضای کلیسایمان یادآوری کنیم که خدا قطعاً به هر دعایی پاسخ می‌دهد: گاه پاسخ مثبت، گاه پاسخ منفی؛ گاه نیز پاسخ را به زمانی دیگر موکول می‌کند.

به خود و به اعضای کلیسای خود بیاموزیم که نسبت به ارادهٔ خدا هشیار باشیم و آن را بپذیریم.

به خود و به اعضای کلیسای خود بیاموزیم که اگر پاسخ دعايمان منفی بود، برای تحمل مشکلات آماده باشیم. چیزی بهتر از مشکلات به ما صبر و شکیبایی و درس روحانی نمی‌آموزد ■

● خدا به ما هیچ بدهی ندارد! گاه نیز شنیده می‌شود که می‌گویند: «این را خدا وعده داده است؛ باید آن را "بطلبیم"! این حق ماست!» شگفتا! چه گستاخی و جسارتی! کدام حق؟! از کی ما گناهکاران که فقط «محض فیض» نجات یافته‌ایم، صاحب حق و حقوق هم شده‌ایم؟! هر چه او می‌دهد، محض فیض رایگان خود می‌دهد؛ و هر چه وعده داده است، از روی رحمت بی‌همتای خود داده است. اما این هیچ حق و طلبی را برای ما ایجاد نمی‌کند. خدا به ما هیچ بدهی بی ندارد. لاقلاً به من که ندارد.

● به یاد داشته باشیم که او «خدا» است و ما انسان؛ او متعال است و ما خاکی! راههای او راههای ما نیست. گاه او طوری عمل می‌کند که در «زمان حال» برای ما قابل درک نیست. پس باید به او اعتماد کنیم.

پس می‌توانیم خواسته‌مان را با جرأت از "بابا" بخواهیم. این مطابق کلام خداست؛ درست است، مطابق کلام خداست. اما فراموش نکنیم که در دوره‌ای که کتاب مقدس نوشته می‌شد، برخلاف روزگار ما، پدر و مادرها حرمتی داشتند و فرزندان یاغی و سرکش نبودند. حتماً از پدر و مادر خودمان شنیده‌ایم که چطور به والدین خود احترام می‌گذاشتند و جرأت سرکشی نداشتند. حتی تا ۵۰ سال پیش هم هیچ فرزندی اجازه نداشت به پدر و مادرش امر و نهی کند. این بازیها را غریبها در دهه‌های اخیر رواج داده‌اند. اینها فکر می‌کنند که با خدا هم می‌شود اینطور رفتار کرد؛ تازه آن را به حساب کلام خدا هم می‌گذارند. واعظین غربی هر چه می‌خواهند بگویند، اما فرزندان خدا اجازه ندارند در مورد چیزی «به پدرشان خدا امر و نهی کنند»، حتی اگر ظاهراً هم خدا وعده‌اش را

معرفی کتابی جدید**تفسیر کاربردی عهد جدید**

اصولی نظیر «آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهیم»، «روش تعمید آب»، «تعمید روح القدس»، «نفس زنان در کلیسا» و غیره. این کتاب بسیار نفیس به چاپ رسیده و دارای ۱۳۸۲ صفحه می‌باشد. بهای آن بدون احتساب هزینه پست، ۱۸ دلار آمریکا می‌باشد. جهت تهیه این کتاب با دفتر مجله تماس بگیرید.

در این کتاب علاوه بر تفسیر آیه به آیه کتاب‌های عهد جدید، کلمات مهم عهد جدید در بخشی جداگانه تشریح شده‌اند، کلماتی نظیر انجیل، ایمان، تعمید، صدوقیان، عدالت، عشاء ربانی، فدیة، فرزندخواندگی، فیض، کفاره، ملکوت خدا، نبوت... همچنین در بخشی تحت عنوان «مقالات عمومی»، اصول مهم اعتقادات مسیحی بگونه‌ای جامع بررسی شده‌اند،

کتاب «تفسیر کاربردی عهد جدید» کتابی است بسیار ساده و قابل فهم که مطالب عهد جدید را بصورت عملی تفسیر و تشریح می‌کند. این کتاب برای مسیحیان عادی نوشته شده و جنبه آکادمیک ندارد، لذا برای اعضای کلیسا بسیار مفید است. همچنین برای تهیه تعلیم و موعظه برای خادمین کلیسا بسیار سودمند است.

طرح کلی برای تهیه موعظه

از تات استیوارت

آیا خدا را دوست می‌داریم؟

مزمور ۱۳۹

۱- مقدمه

آیا شما خدا را برای وجود خودش دوست دارید؟ پیش از آنکه پاسخی بدهید، باید بدانید که خیلی‌ها خدا را به دلایل نادرستی دوست دارند.

● بعضی‌ها خدا را بخاطر کارهایی که می‌تواند برایشان انجام دهد دوست دارند؛ ایشان برکت را دوست دارند و نه برکت‌دهنده را.

● بعضی دیگر خدایی را دوست دارند که در ذهن خودشان ساخته‌اند. آنان خدایی شبیه خودشان درست کرده‌اند.

تنها راه برای آنکه مطمئن شویم که خدا را بدرستی دوست می‌داریم، این است که با خصائل الهی‌اش بیشتر آشنا شویم. در مزمور ۱۳۹ با این واقعیت روبرو می‌شویم که خدا همه چیز را می‌داند. «خداوند ما بزرگ است و... حکمت وی غیرمتناهی» (مزمور ۱۴۷: ۵). پس برای دوست داشتن خدا باید درک کنیم که پرستش خدا یعنی چه، پرستش خدایی که هر روزه در حضورش زندگی می‌کنیم.

۲- هر روزه باید به خاطر بیاوریم که خدا ما را بطور کامل

می‌شناسد (آیات ۱-۶)

«ای خداوند، مرا آزموده و شناخته‌ای» (آیه ۱).

● او تمامی افکار شما را می‌داند (آیه ۲). اگر بدانید که خدا دائماً

افکارتان را می‌خواند، چه تفاوتی در زندگی‌تان پیش می‌آید؟

● او تمامی اعمالتان را می‌بیند (آیه ۳). اگر بدانید که خدا دائماً به شما نگاه می‌کند، چه کارهایی را نمی‌کردید؟

● او تمامی سخنانتان را می‌شنود (آیه ۴). اگر بدانید که خدا دائماً به سخنانتان گوش می‌دهد، چه تفاوتی در گفتارتان ایجاد می‌کردید؟

۳- باید به یاد داشته باشیم که خدا همیشه با ماست

● او با ماست تا ما را از شریر محفوظ نگاه دارد (آیات ۵-۶)

● او حتی وقتی دلخسته و ناامید هستیم، همچنان با ماست (آیه ۸ و ۱۱-۱۲).

● او در اوقات خاصی حضورش را بر من آشکار می‌کند و بدینسان مرا برکت می‌دهد (آیه ۸).

۴- پس چگونه باید زندگی کنیم؟

● بیاموزیم که افکارمان الهی باشد (آیات ۱۷-۱۸)

● بیاموزیم که در حضور خدا زندگی کنیم (آیات ۲۳-۲۴)

□ از او بخواهیم که هر روز دلمان را تفتیش کند

□ از او بخواهیم که ما را در راه عدالت هدایت کند

جوانان در ما احساس خشم فرو خورده ایجاد نکنند، اگر بدون عقده هر آنچه تجربه و خاطره و دانش داریم، در اختیار نسل بعدی قرار دهیم، پیری محترمانه و مثمر ثمری خواهیم داشت. به یاد داشته باشید که «آنانی که در خانه خداوند غرس شده‌اند، در صحنهای خدای ما خواهند شکفت. در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد و تر و تازه و سبز خواهند بود. تا اعلام کنند که خداوند، راست است و در وی هیچ بی‌انصافی نیست» (مزمور ۹۲: ۱۳-۱۵) ■

شورشی‌اش، مجال سوءاستفاده نیابند. اگر انتقال قدرت در کلیسا هم به آرامی و با درایت پیران انجام گیرد، کلیسا کمتر دچار تلاطم خواهد شد و شبان جدید هم راحت‌تر جا خواهد افتاد.

خلاصه اینکه

غصه نخورید، دنیا به آخر نرسیده! پیری هم مانند زمستان، زیبایی‌های خود را دارد. اگر مواظب باشیم که مبادا خودمان را بر کلیسا تحمیل کرده باشیم، اگر سپردن کار به

(دنباله صفحه ۶)

خادمان جوان شود. می‌توانیم مانند شبانی با تجربه و مورد قبول دیگران، به کلیساهای سایر شهرها سرکشی کنیم و حلال مشکلات و اختلافات کلیسایی شویم.

● به جوانها میدان بدهیم. داود زمانی که هنوز زنده بود، پادشاهی را به پسرش سلیمان داد، تا دیگر پسران مدعی و